

بازخوانی حکمت صدرایی در برابر بحران معنا

اندیشمندان و اساتید برجسته فلسفه اسلامی در نشست بررسی آرای صدرالمآلهین شیرازی،



اندیشمندان و اساتید برجسته فلسفه اسلامی در نشست بررسی آرای صدرالمآلهین شیرازی، بر ضرورت بازخوانی نگاه این حکیم نامدار به جهان هستی تأکید کردند. به باور سخنرانان این نشست، ملاصدرا با عبور از جزم اندیشی های کلامی و تلفیق عقلانیت سینوی، اشراق سهروردی و عرفان ابن عربی، بستری را فراهم کرد که در آن، معرفت به جای تقابل، به کمال وجودی انسان و تلطیف زندگی در جهان معاصر یاری می رساند.

گزارش ایکننا از آیین بزرگداشت ملاصدرا :

به گزارش ایکننا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در راستای تکریم و معرفی اندیشمندان و مفاخر برجسته تمدن اسلامی - ایرانی، آیین بزرگداشت «ملاصدرا»، را عصر امروز ۲ خردادماه با محوریت «بازخوانی حکمت صدرایی در جهان امروز» برگزار کرد. این نشست علمی با حضور جمعی از برجسته ترین استادان و صاحب نظران فلسفه و حکمت اسلامی از جمله آیت الله سیدمصطفی محقق داماد، غلامرضا اعوانی، منوچهر صدوقی سها، قاسم پورحسن و محمود شالویی به صورت مجازی انجام شد.

ملاصدرا همچنان راهگشای پرسش های فلسفی ماست

آیت الله سیدمصطفی محقق داماد، عضو پیوسته فرهنگستان علوم، در بخش محوری این نشست به تبیین دقیق حیات علمی ملاصدرا پرداخت و اظهار کرد: صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی که در میان عامه به ملاصدرا شهره است، در دوران حیات خود نزد اهل دانش با القابی نظیر صدرالحکما و صدرالمآلهین شناخته می شد. وی که در سال ۹۷۹ قمری در شیراز متولد شد، پس از بهره مندی از علوم عقلی نزد میرداماد و علوم نقلی نزد شیخ بهایی، مسیر پرفراز و نشیب علم و عرفان را پیمود.

وی افزود: ملاصدرا پس از بازگشت به شیراز، در پی برخوردهای نامناسب برخی مدعیان علم، راهی روستای کهک در حوالی قم شد. این دوران انزوا، فرصتی برای مجاهدت، تزکیه و تصفیه نفس فراهم آورد تا او از طریق تحمل مشقت و تلاش بی وقفه، دریچه ای به عالم قدس بگشاید و میان حقایق حاصل از استدلال برهانی و حقایق حاصل از مکاشفات قلبی، وحدت ایجاد کند.

رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در ادامه به دوران تدریس و شاگردپروری ملاصدرا اشاره کرد و گفت: این حکیم برجسته بخش قابل توجهی از زندگی خود را در قم و مدتی را در مدرسه خان شیراز صرف آموزش کرد. تربیت شاگردان ممتازی چون فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی، سرمد کاشانی، ملا علی رضا بن محمد آقاجانی و دیگر حکیمان نامدار، محصول همین دوران پربار است.

محقق داماد با اشاره به اینکه ملاصدرا ساختار نوین فلسفی خود را تحت عنوان «حکمت متعالیه» بر پایه توفیق و هماهنگی میان «عقل»، «کشف» و «دین» بنیان نهاده گفت: او در آثار خود، از جمله در کتاب «اسرار الآیات»، بر این نکته تصریح دارد که حقایق دینی و معارف الهی را نه تنها از طریق برهان، بلکه با عین یقین و شهود باطنی دریافته و به آن ایمان آورده است.

این استاد فلسفه با تأکید بر اهمیت کتاب «الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه» به عنوان اثر مادر در منظومه فکری صدرالمآلهین، خطای برخی خاورشناسان در تفسیر واژه «اسفار» را تصحیح کرد و گفت: برخلاف تصور برخی که اسفار را جمع سیفر (به معنای کتاب) دانسته اند، خود مؤلف در مقدمه کتاب به صراحت بیان می دارد که این اثر بر پایه چهار سفر سلوک عارفان ترتیب یافته است: ۱. سفر از خلق به حق؛ ۲. سفر از حق به حق در حق؛ ۳. سفر از حق به سوی خلق (همراه با حق)؛ ۴. سفر همراه با حق در خلق. ملاصدرا با استناد به این چهار مرحله از سیر و سلوک سالکان، توانست حکمتی نو در جهان اسلام بنا نهد که امروز نیز همچنان راهگشای پرسش های فلسفی است.

برای عبور از بن بست های فکری، نیازمند «وحدت صدرایی» هستیم

محمود شالویی در تبیین جایگاه ممتاز صدرالمآلهین شیرازی، ملاصدرا را مصلح بزرگ اندیشه دانست که توانست میان جریان های متضاد کلامی، عرفانی و فلسفی، وحدتی کمال بخش ایجاد کند.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، در سخنانی با اشاره به جایگاه یگانه صدرالمآلهین در تمدن اسلامی اظهار کرد: پیش از ظهور ملاصدرا، جریان های فکری متعددی در جهان اسلام حضور داشتند که اغلب در تقابل با یکدیگر بودند؛ از نزاع کلامی جبريون (اشاعره) و اختیاریون (معتزله) گرفته تا جریان های فلسفی مشاء و اشراق و عرفان نظری محی الدین ابن عربی. صدرالمآلهین با دقتی مثال زدنی، تمامی این مکاتب را مورد نقد و بررسی قرار داد و هیچ یک از این مکاتب را به تنهایی جامع و کامل ندانست، اما در عین حال، فضایل هر یک را نادیده نگرفت. او با نبوغ خود، میان عقلانیت برهانی و ذوق عرفانی، وجه مصالحه ای ایجاد کرد تا این اندیشه ها در کنار یکدیگر، یکدیگر را تکامل بخشند.

وی تصریح کرد: نام گذاری فلسفه او به «حکمت متعالیه» از آن روست که او عصاره مکاتب گوناگون را گرد آورد و به یک وحدت وجودی رسید. همان طور که خود ایشان در «اسفار» بیان می کند، تضادها در نظام هستی، به معنای تقابل ویرانگر نیست؛ بلکه عاملی برای تکامل است؛ به گونه ای که دو موضوع متفاوت، به جای تخریب یکدیگر، همدیگر را به کمال می رسانند.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با اشاره به استمرار این جریان فکری توسط بزرگانی چون حاج ملاهادی سبزواری و علامه طباطبایی، تأکید کرد: امروز جهان، به ویژه جوامع اسلامی، به شدت نیازمند چنین الگوی وحدت بخشی است. در دنیایی که با چالش های فکری و مکاتب ماتریالیستی روبه روست، بازخوانی اندیشه های ملاصدرا می تواند پاسخ های معرفتی درخوری برای شناخت حقایق عالم هستی ارائه دهد.

شالویی در پایان اظهار کرد: هویت انسان با معرفت گره خورده است. پرداختن به شخصیت و اندیشه ملاصدرا، راهکاری است تا زندگی بشر در جهان کنونی از «معنا» تهی نشود. این حکمت، سرشار از شهادت زیبایی ها و شیرینی هایی است که می تواند انسان را از آفت های پوچی و شهوت رانی رها کرده و به کمال حقیقی راهنمایی کند. حکمت متعالیه؛ پیوند دهنده برهان یونانی با معارف قرآنی است.

غلامرضا اعوانی رئیس سابق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سخنانی با اشاره به جایگاه حکمت در فرهنگ ایران، اظهار کرد: عظمت ایران در حکمت است؛ شما در سایر کشورهای اسلامی با جریانی از حکمت که در فرهنگ ایرانی وجود دارد مواجه نمی شوید. برعکس گرایش های ضدعقلی که در سایر فرهنگ ها فراوان است، در ایران یک جریان مستمر حکمی، چه قبل و چه بعد از اسلام، وجود داشته است.

اعوانی با بیان اینکه دین اسلام اصل همه ادیان را «حکمت» می داند، افزود: قرآن کریم مسلمانان را به جست و جوی حکمت در همه فرهنگ ها تشویق کرده است. در این نگاه، میان حکمت و فلسفه تفاوتی نیست و هر دو در پی حقیقت اند. در عالم اسلام، چهار مکتب مشاء، اشراق، مکتب ابن عربی و حکمت متعالیه داریم که علی رغم اشتراک در هدف، تنها در روش با هم تفاوت دارند.

این استاد فلسفه، صدرالمآلهین را «کمال دوره حکمت در اسلام و ایران» دانست و تصریح کرد: او با طرح نظریاتی چون اصالت وجود و حرکت جوهری، برای نخستین بار مسائلی را مطرح کرد که در تاریخ فلسفه سابقه نداشته است. ملاصدرا تمام تاریخ فلسفه را در کف دست داشت و با دسترسی به منابع دست اول به ویژه نسخه های خطی احیا شده در دوره صفویه توانست دانشی جامع فراهم کند.

اعوانی با اشاره به مفهوم «حکمت متعالیه» گفت: ملاصدرا حکمت را دارای مراتب تشکیکی می داند که از حکمت بحثی آغاز شده و به حکمت ذوقی و در نهایت حکمت قرآنی می رسد. او نظریه «تعالی» (تشبّه به خداوند) را که از افلاطون آغاز و توسط سهروردی وارد فلسفه اسلامی شده بود، به کمال رساند.

وی در پایان تأکید کرد: بزرگ ترین دستاورد صدرالمآلهین، اثبات پیوند وثیق میان حکمت رسمی (افلاطون، ارسطو و ابن سینا) با حکمت قرآنی است. برخلاف دیدگاه تفکیکی ها که میان این دو جدایی قائل اند، ملاصدرا نشان داد که مبادی حکمت برهانی و عرفانی، با مبادی قرآنی ارتباطی عمیق و اشتراک معنوی دارند. ملاصدرا راهی را گشود که برای فهم حکمت دینی باید از حکمت رسمی استفاده کرد.

ناگفته های تاریخی در احوال صدرالمآلهین شیرازی

منوچهر صدوقی سها استاد و پژوهشگر حکمت و عرفان اسلامی در ادامه به ناگفته های تاریخی در احوال صدرالمآلهین شیرازی و بر ضرورت بازنگری در تاریخ رحلت و همچنین دفاع از ساحت علمی و اخلاقی این فیلسوف بزرگ تأکید کرد.

صدوقی سها با تأکید بر اینکه برخی از اساتید ملاصدرا در منابع موجود مغفول مانده اند، به دوران حضور ملاصدرا در کاشان اشاره

کرد و گفت: صدرالمآلهین در دوران تحصیلات اولیه در کاشان همراه با پدرش، شاه مرتضی، بوده است؛ شخصی که خود از حکمای برجسته و عرفای زمانه بود. ملاصدرا و پدر فیض کاشانی، هر دو داماد استاد خود (شاه مرتضی) بوده و با مکتب جمال الدین محمود و طریقت حکمای دشتکی و محقق دوانی را داشته است.

این پژوهشگر فلسفه با نقد تاریخ نگاری های رایج که وفات ملاصدرا را سال ۱۰۵۰ قمری می دانند، اظهار کرد: بنا بر مستندات موجود در «جنگ علم الهدی» (فرزند فیض کاشانی)، تاریخ صحیح رحلت صدرالمآلهین، سال ۱۰۴۵ قمری است. ملاصدرا در مسیر سفر حج و در شهر بصره از دنیا رفته و پیکر وی بعدها برای تدفین به نجف اشرف منتقل شده است که این تفاوت ۵ ساله، نکته ای کلیدی است که باید در تمامی زندگی نامه های صدرالمآلهین تصحیح شود.

صدوقی سها در بخش پایانی سخنان خود به نقد رایجی پاسخ داد که چرا ملاصدرا مطالب حکمای پیشین مانند فخر رازی را بدون ذکر منبع نقل می کند بیان کرد: این نقد که ملاصدرا مطالب را به نام خود نقل می کند، مطلبی است که باید «حمل بر صحت» شود. او نیازی به این کار ندارد و اساساً ساحت او از این گونه اعمال مبراست.

این محقق با ذکر تجربه خود در تصحیح «رساله المسائل القدسیه» توضیح داد: هنگام تصحیح دیدم عبارات بسیار آشناست، اما منبع آن را نمی یافتم. در نهایت متوجه شدم این مطالب، عین عبارات کتاب «مشاعر» است که ملاصدرا سال ها قبل نوشته بود. ملاصدرا دارای حافظه ای فوق العاده و تصویری بوده است، هر چه را می دیده، در ذهنش نقش می بسته است. هنگام نگارش، به دلیل غرق شدن در حقایق فلسفی و تلاطم دریای ذهن، مطالب (چه از خود و چه از دیگران) بدون ارجاع مستقیم به قلم آورده و ایشان دیگر عنایتی به این نداشته که این مطلب متعلق به چه کسی است. آنچه برخی به عنوان «سرفقت علمی» تفسیر کرده اند، در واقع نتیجه حافظه بی نظیر و انغماس عمیق آن حکیم در معارف عالیه بوده است. بشر مدرن در «اصالت نام» گرفتار شده است/ بازگشت به هستی شناسی صدررا راه نجات است

قاسم پورحسن استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه با رویکردی انتقادی نسبت به تفکر غربی، اصالت وجود نزد صدرالمآلهین را پاسخی کارآمد برای عبور از بحران معنا و اصالت نام در جهان معاصر معرفی کرد.

وی با تبیین پیوند عمیق میان وضعیت کنونی بشر و فلسفه صدرالمآلهین، اظهار کرد: بحران معنا در عصر مدرن به یکی از چالش های اصلی تبدیل شده است. برخلاف تصور رایج، ملاصدرا نه یک فیلسوف انتزاعی، بلکه متفکری است که نگاه هستی شناسانه او می تواند گره گشای بحران فقدان معنا باشد.

پورحسن با استناد به آرای ادموند هوسرل، بیان کرد: هوسرل معتقد است علم مدرن به دلیل ریاضی سازی و تکنیکی شدن، از جهان زیسته و معنای انسانی فاصله گرفته و در دو سطح دچار بحران شده است: نخست در روش و دوم در بنیان های معرفتی. نتیجه این وضعیت، پدید آمدن «بحران معنا» و «تهی سازی» است که نیچه نیز به آن اشاره دارد.

این استاد فلسفه با ابداع اصطلاح «اصالت نام» برای وضعیت مدرن، تصریح کرد: بشر امروز، هویت خود را به جای پیوند با حقیقت هستی، به برجسب ها و نام ها گره زده است؛ برجسب هایی مانند تعداد لایک، برند لباس، مدرک تحصیلی یا طبقه اجتماعی که همگی نسبی، ناپایدار و بی معنا هستند. این جاست که انسان در کلاف سردرگمی گرفتار شده و می پرسد آیا این زندگی، ارزش زیستن دارد؟

پورحسن با تأکید بر ضرورت بازخوانی بومی سنت فلسفی ایران، گفت: ملاصدرا به ما می آموزد که هویت، «وجود» است. هرگاه انسان علم بیاموزد، مرتبه وجودی اش تشدید می شود، نه اینکه تنها نامی بر او افزوده شود. نقطه تلاطمی پاسخ به بحران معنا همین جاست: معنا، امری بیرونی نیست؛ بلکه خود بیشتر و افزون تر شدن هستی انسان است.

وی افزود: اگر من هنر را نه برای «فروش تابلو»، بلکه برای «شدت و ضعف حضور در لحظه خلق» بخواهم، معنا با عمق وجودی من گره می خورد. بنابراین، معنای زندگی در ملاصدرا به «هویت»، «آگاهی» و «اراده» بازمی گردد.

وی با اشاره به بی پناهی انسان در برابر نظام های قدرت گفت: در غرب، اخلاق و حتی حیات انسان تابعی از نظام های قدرت شده است، اما در فلسفه ملاصدرا، به دلیل حرکت جوهری و سیر از نقص به کمال، انسان دارای «غایت» است. بازگشت به این سنت، بازگشت به هدف زندگی که همان قرب الهی و تشبیه به خداوند است. انسانی که مقصد نهایی خود را گم نکرده باشد، دچار بحران بی معنایی نمی شود.

وی در پایان با معرفی کتاب «معرفت شناسی فلسفه تطبیقی»، از پژوهشگران دعوت کرد تا به جای تقلید از پاسخ های غربی، با بازخوانی انتقادی سنت خود و با بهره گیری از پرسش های مدرن، ظرفیت های حکمت صدرایی را برای حل معضلات امروز بشر به کار گیرند.